دگرگونی درک ایرانیان از تغییرات

دکتر مهدی اصل زعیم
جامعه‌شناس و پژوهشگر استانداری البرز

امیدواری شامل احساس و حالتی است که با انتظار بهبود وضعیت و حس توانمندی و تأثیر در تغییرات مطلوب ارتباط دارد. مطالعهٔ تاریخ به ما نشان می‌دهد که نزد ایرانیان، به دلایل متفاوت فرهنگی و اجتماعی، دستیابی به وضعیت‌های مطلوب با دگرگونی‌های اساسی گره خورده و شکاف بین انتظارات و واقعیت‌های تحمیل شده به جامعه موجب شده است که مشارکت اجتماعی - که با امید اجتماعی پیوند دارد- جای خود را به از خود بیگانگی اجتماعی- که محصول ناامیدی اجتماعی است - بدهد. تجربهٔ زیستهٔ ایرانیان و به‌ویژه نخبگان ایرانی در چند دههٔ اخیر، آموزه‌هایی را در زمینهٔ مشارکت و راهبری تغییرات اجتماعی برای ایشان فراهم کرده است که بر مبنای آن، رویکرد اصلاحی و تدریجی بر مبنای منطق فازی را بر رویکردهای رادیکال منطق بر منطق دودویی ترجیح می‌دهند. اما نباید فراموش کرد که فرهنگ اجتماعی ایرانیان بر مبنای مشارکت‌های سازمان‌یافته استوار نشده است. از طرف دیگر، مقاومت‌های ساختاری زیادی در مقابل دگرگونی‌های مطلوب جامعهٔ ایران وجود دارد. در نتیجه، پاسداری از روشنایی امید و نهادینه کردن رویکرد اصلاحی در جامعهٔ ایران، همچنان کاری طاقت‌فرساست و به صبوری نیاز دارد.

کلیدواژه‌ها: امید، من فاعلی، من اجتماعی، خود، ساختار اجتماعی، از خودبیگانگی

این متن چکیدهٔ پژوهشی به روش اسنادی است، هر چند تجربهٔ زیسته نگارنده نیز، بر پایهٔ مدلی نظری و مفهومی، به تحلیل این موضوع کمک می‌کند. مدل نظری پژوهش برای تحلیل وضعیت امیدواری ایرانیان و دگرگونی فهم ایشان از تغییرات، براساس الگوهای ساختی - کارکردی **پارسونز** و دیالکتیک مستمر «من‌فاعلی» و «من اجتماعی» **مید** و **بلومر** است.

تعامل طبیعی ساختارهای اجتماعی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌تواند نیازها را پاسخ دهد و در فرایند شکل‌دهی «من اجتماعی» به اندازه‌ای سیّال و منعطف باشد که «من فاعلی» فراموش نشود و به مثابهٔ ارادهٔ آزاد انسانی بتواند از طریق تعامل با «من اجتماعی» به شکل‌گیری «خود» منجر شود. در این‌صورت، «بودن» و «عاملیت» حس خواهد شد و امیدواری جان می‌گیرد و به تدریج افزون می‌شود. اما اگر ساختارها ناکارامد و انعطاف‌پذیر باشند، «من اجتماعی» آن‌چنان رشد می‌کند که جایی برای ارادهٔ آزاد «من فاعلی» باقی نخواهد ماند و تعامل این دو «من» با یکدیگر مخدوش خواهد شد. به این ترتیب، حاصل این فرایند - که در اصل باید شکل‌گیری «خود» باشد- به انزوا، از خودبیگانگی و ستیز تبدیل خواهد شد. هر سه حالت مذکور نیز با احساس محرومیت، شکست و ناامیدی و به خصوص پرخاشگری اجتماعی ارتباط دارند.

جامعهٔ ایرانی با توجه به تجربه‌های گذشته هنوز به صبوری و اصلاح تدریجی باور دارد. تغییر رویکرد حاکمان، تلاش نخبگان و گروه‌های مرجع، ایجاد فضای مشارکت همگانی، تأکید بر مشارکت مردمی، و گسترش و پاسداری از حوزهٔ عمومی می‌تواند وضع موجود را به گونه‌ای تغییر دهد که ساختارهای مختلف جامعه از انعطاف و کارامدی برخوردار شوند. بر این اساس می‌توان انتظار داشت که امید اجتماعی در ایران از بین نرود و خستگی و از خودبیگانگی اجتماعی به جامعه تحمیل نشود.